



## خانه‌ی صدفی



روزی روزگاری در دریای بزرگ، ماهی کوچکی به نام نوری زندگی می‌کرد. نوری یک ماهی کنجکاو و پرنرژی بود که همیشه به دنبال ماجراجویی‌های جدید بود. او یک دوست صمیمی به نام خرچنگی داشت که باهوش و مهربان بود. یک روز، نوری و خرچنگی تصمیم گرفتند که خانه‌ای زیبا برای خود بسازند. آن‌ها به این نتیجه رسیدند که بهترین مواد برای ساخت خانه، صدف حلزون‌ها است که در کف دریا پیدا می‌شوند. نوری و خرچنگی هر روز به جستجوی صدف‌ها می‌رفتند. آن‌ها با هم به اعماق دریا می‌رفتند و صدف‌های مختلفی را

جمع‌آوری می‌کردند. یک روز، یک مروارید خیلی زیبا و درشتی را پیدا کردند که درون صدفی گیر کرده بود، هر چه تلاش کردند نتوانستند آن مروارید را از درون صدف بیرون بیاورند. هشت‌پایی در حال حل کردن جدول اعداد بود، خرچنگی از هشت‌پا خواهش کرد تا به آن‌ها کمک کند.

هشت‌پا با کمک پاهای خود، دهانه‌ی صدف را باز کرد، نوری و خرچنگی مروارید را از داخل آن برداشتند. نوری و خرچنگی خیلی خوش حال شدند و از هشت‌پا تشکر کردند.





هشت‌پا هم از آن‌ها کمک خواست و گفت لطفاً به من در حل این جدول کمک کنید. نوری و خرچنگی جدول اعداد را برای هشت‌پا حل کردند و مروارید را برداشتند و به سمت خانه‌ی خود آمدند.

روز دیگر، در حالی که نوری و خرچنگی مشغول جمع‌آوری صدف‌ها بودند، با یک صدف بسیار بزرگ و درخشان رو به رو شدند. نوری با هیجان گفت: این صدف می‌تواند سقف خانه‌ی ما باشد! خرچنگی با لبخند پاسخ داد: بله، این بهترین صدفی است که تا به حال دیده‌ایم. کنار آن صدف بزرگ، لاک پشت دانا و پیری نشسته بود و به آن‌ها گفت: اگر معمای مرا حل کنید، اجازه می‌دهم این صدف بزرگ را با خود ببرید. نوری و خرچنگی با کنجکاوی پرسیدند؟ چه معمایی؟! لاک‌پشت ادامه داد: معمای من این است: چند عدد دو رقمی با ارقام ۷ و ۸ و ۳ می‌توانی بسازی؟ نوری و خرچنگی با همکاری و هوش خود معما را برای لاک‌پشت حل کردند و جواب را به او گفتند. لاک‌پشت هم خوش‌حال شد و به آن‌ها اجازه داد تا صدف بزرگ را ببرند.

آن‌ها با همکاری و تلاش فراوان، صدف بزرگ را به خانه بردند و از آن به عنوان سقف خانه‌شان استفاده کردند. خانه‌ی نوری و خرچنگی حالا زیباتر و محکم‌تر از همیشه بود. آن‌ها هر روز در خانه‌ی جدیدشان زندگی می‌کردند و از ماجراجویی‌های جدید لذت می‌بردند. نوری و خرچنگی با همفکری و کارگروهی معماهای مختلف را پاسخ می‌دادند و تجربه‌های بیشتری را کسب می‌کردند. این‌گونه بود که نوری و خرچنگی با حل معماهای مختلف و کشف اسرار دریا، به ماجراجویی‌های هیجان‌انگیز خود ادامه می‌دادند و دوستی آن‌ها قوی‌تر می‌شد.





داستان را خواندی، حالا به سوال ها پاسخ بده.

۱) نوری و خرچنگی تصمیم گرفتند خانه ی خود را از چه چیزی بسازند؟

۲) هشت پا چگونه به نوری و خرچنگی کمک کرد؟

۳) معمای لاك پشت چه بود؟

۴) چه چیزی باعث شد دوستی نوری و خرچنگی قوی تر شود؟

۵) به خرچنگی کمک کن تا جدول اعداد را کامل کند.

																		۳۵
																		-
																		=
۲۲	+																	

۶) با ارقام ۷، ۸ و ۳ چند عدد دورقمی می توانی بنویسی؟

۷) اگر نوری و خرچنگی در مجموع ۱۲ صدف کوچک پیدا کنند و هشت پا ۸

صدف به آنها بدهد، آنها در کل چند صدف خواهند داشت؟

